

DOR: 20.1001.1.26453800.1400.5.8.1.5

A Reflection on the Function of Natural Elements in Resistance Personification in the Selected Poems of Sepideh Kashani and Nasrollah Mardani

Fateme Kolahchian^{1*}

Associate Professor of Persian Language and Literature, Razi University

Roya Rajayi Farid²

MA in Persian Language and Literature, Resistance Literature, Razi University

(Received: 02/08/2020 ; Accepted:25/11/2020)

Abstract

The elements of nature with their impressive varieties have always had a considerable role in communicating various contents to audiences and making literal illustrations, especially in poetry. Sometimes, these roles are so extraordinary that it is impossible to find out their semantic and formal values without deep analysis. This efficiency is also at work in resistance poetry. The current descriptive-analytical study aims to analyze the efficiency of natural elements in the poems of Sepideh Kashani and Nasrollah Mardani. These poets are chosen due to the considerable quality of their poems, pivotal benefits they take from natural elements, and relevant issues to the topic of present study. Findings reveal that foliage and astronomical objects have the highest frequency in their poems. Among the foliage, tulip denotes martyrs. Besides, the sun and stars denote leaders and martyrs respectively. Pigeons symbolize martyrs, while vultures and hyenas represent enemies. Semantically, both poets use natural elements to make the contents of leaders, martyrs, and enemies. However, Kashani has also made characteristic Iranian devoted ladies, hypocrites and betrayers that are not found in Mardani's poems. Unlike Kashani, Mardani has made characteristic warrior. Furthermore, martyrs and leaders have the highest frequency in the poems of Kashani and Mardani respectively.

Keyword: *natural elements, personification, cotemporary resistance literature, Sepideh Kashani, Nasrollah Mardani.*

1 . *Corresponding Author: f_kolahchian@yahoo.com

2 . roya.rajaefarid.1352@gmail.com

DOR: 20.1001.1.26453800.1400.5.8.1.5

تأملی بر کارکرد عناصر طبیعت، در شخصیت‌سازی پایداری در شعر سپیده کاشانی و نصرالله مردانی

فاطمه کلاهیچیان^{۱*}

دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی

رؤیا رجایی فرید^۲

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، گرایش ادبیات پایداری، دانشگاه رازی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۵)

صفحات: ۱۴-۱

چکیده

عناصر طبیعت با تنوع چشمگیر، همواره نقش قابل توجهی در گزارش موضوعات و مفاهیم گوناگون به مخاطب و تصویرسازی‌های ادبی، به ویژه در شعر داشته‌اند. این نقش‌ها، گاهی چنان پررنگ و برجسته‌اند که نمی‌توان بدون تحقیق درباره جزئیات و ظرایف آن‌ها، به ابعاد و زوایای بسیاری از ارزش‌های معنایی و صوری آثار ادبی پی برد. این کارآیی و نقش‌پذیری در اشعار پایداری نیز، بسیار تأثیرگذار و تعیین‌کننده بوده است. براساس این اهمیت، در مقاله حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی، کارکردهای عناصر طبیعت در شخصیت‌سازی پایداری را در اشعار سپیده کاشانی و نصرالله مردانی بررسی می‌کنیم. دلیل انتخاب این دو شاعر، کیفیت قابل توجه اشعارشان، بهره‌مندی محوری از عناصر طبیعت و دستیابی به یافته‌های مرتبط، از منظر نگاه زنانه و مردانه، در کنار هم بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که گل‌ها و گیاهان و اجرام آسمانی، در شعر هر دو شاعر از بسامد بسیاری برخوردارند. از میان گل‌ها و گیاهان، لاله در مفهوم شهید؛ از میان اجرام آسمانی، آفتاب و خورشید در مفهوم راهبر، اختران و ستارگان در مفهوم شهید؛ از میان حیوانات، کبوتر در مفهوم شهید، کرکس و کفتار در مفهوم دشمن، در شعر هر دو شاعر، نمود بیشتری دارند. از لحاظ کارکرد معنایی عناصر طبیعت در ساختن شخصیت‌های راهبر و پیشوا، شهید و دشمن به‌عنوان شخصیت‌های مشترک در شعر دو شاعر استفاده شده‌اند؛ البته کاشانی در اشعارش به ساختن شخصیت‌های زن فداکار ایرانی، منافقان و خیانتکاران نیز پرداخته که در اشعار مردانی یافت نمی‌شوند. همچنین، مردانی به ساخت شخصیت رزمندگان پرداخته که در اشعار کاشانی نیامده است. شخصیت شهید در شعر کاشانی و شخصیت راهبر در شعر مردانی، بیشترین بسامد را دارند.

کلمات کلیدی: عناصر طبیعت، شخصیت‌سازی، شعر معاصر پایداری، سپیده کاشانی، نصرالله مردانی.

۱. * نویسنده مسئول: F_kolahchian@yahoo.com

۲. roya.rajaefarid.1352@gmail.com

۱- مقدمه

طبیعت در تمام ادوار حیات بشری، توجّه شاعران را جلب کرده است و بسیاری از اشعار آنان به طبیعت و عناصر آن اختصاص یافته؛ ولی هر شاعر از شگردهای متفاوتی برای کاربرد طبیعت، در هنر خویش بهره جسته است. بسیاری از شعرا بین طبیعت و عواطف خود پیوندی ناگسستنی برقرار کرده‌اند. هنرمند تصویر آفرین، به دنبال صورتی محسوس است تا بتواند مفاهیم عقلی و گاه ناشناخته جاری در ذهن را به صورتی قابل درک به مخاطب القاء کند. در این راستا استفاده از عناصر متنوع طبیعت، راهکاری بسیار مطلوب است.

حضور عناصر طبیعت، در محتوا و فرم همه انواع ادبی در ادبیات ملل، نمودی برجسته و قابل بررسی دارد. در این میان، بررسی جلوه‌های نقش آفرینی عناصر طبیعت در ادبیات پایداری، موضوعی شایان توجّه و مفید است. ادبیات پایداری، چه در معنای عام و گسترده خود و چه در معنای خاص و جدیدش، از کارکرد عناصر طبیعت، بهره‌های فراوانی برده است.

ادبیات پایداری در معنای خاص، معمولاً به آثاری اطلاق می‌شود که تحت شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی، غضب قدرت و سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و... شکل می‌گیرند (سنگری، ۱۳۸۳: ۴۵). شعر پایداری یکی از انواع بارز و شایان توجّه در حیطه استفاده از عناصر طبیعت است. ارتباط طبیعت و شعر پایداری آن‌چنان استوار است که بدون تحلیل کارکرد این عناصر، نمی‌توان به ویژگی‌های موضوعی - محتوایی و شاخص‌های بلاغی و درک دقیقی از ظرایف موجود در این اشعار رسید. عناصر طبیعت با پذیرش مفاهیم جدید و مرتبط با مقاومت در آثار پایداری، به خصوص اشعار، وظیفه انتقال مفاهیم مربوط به این ادبیات را به عهده گرفته‌اند و حامل تصاویری جدید و تازه شده‌اند.

ادبیات دفاع مقدّس، یکی از بخش‌های بسیار مهم و برجسته ادبیات پایداری در ایران است. با نگاهی گذرا به آثار ادبی این دوران، درون‌مایه‌هایی مانند اطاعت از رهبر و ارادت به او، تقدیس جهاد و آموزه‌های دینی - مذهبی مرتبط با آن، تحقیر و نکوهش دشمن متجاوز، تشویق مردم به حضور در جبهه‌ها، استقامت در برابر مشکلات و ویرانی‌های جنگ، تلاش برای بیرون راندن دشمن، ذکر دلآوری‌ها و ستایش رزمندگان و از همه مهم‌تر، ارزش شهید و شهادت‌طلبی را - که وجه تمایز ادبیات دفاع مقدّس با ادبیات جنگ در جهان تلقی می‌شود - داراست. تلفیق نمادهای اسلامی و ایرانی از ویژگی‌های بارز شعر پایداری این دوره است (شیرشاهی، ۱۳۸۶: ۲۰۸). در اشعار این دوره، طبیعت و عناصر متنوع آن نیز در ساختن مفاهیم پایداری، به زیبایی نقش ایفا می‌کنند و نمونه‌هایی درخشان و قابل پژوهش نیز از نمودهای معنایی و بلاغی این عناصر دیده می‌شود. نمودی که بدون توجّه به زوایا و دقایق آن، نمی‌توان با شعر دفاع مقدّس، ارتباط جامع و کاملی برقرار کرد. این اهمیت، دلیل پرداختن به موضوع این مقاله است.

۱-۱. بیان مسأله، هدف و سؤال پژوهش

موضوع پژوهش حاضر، بررسی آن دسته از شخصیت‌هایی است که با استفاده از عناصر طبیعت، اعم از گل‌ها و گیاهان، آسمان و عناصر وابسته، آب و پدیده‌های مربوط، حیوانات و... در بخش‌های مختلف اشعار، ساخته شده‌اند و علاوه بر بخشیدن ارزش‌های روایی به شعر، ارتباط مخاطب را با مفاهیم مدنظر شاعران، جذاب‌تر و میسرتر ساخته‌اند. درباره شخصیت، تعریف‌های گوناگونی ارائه شده که بسیار نزدیک به یکدیگر است. شخصیت‌ها، اشخاص ساخته شده‌ای هستند که در داستان و نمایش‌نامه، ظاهر می‌شوند و در اثر روایتی و نمایشی، شخصیت، فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او

در عملش و آن چه می‌گوید و می‌کند، وجود داشته باشد (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۸۴). ویژگی‌های شخصیت، از طریق کنش و گفتار، نمود می‌یابند (مستور، ۱۳۸۷: ۳۳).

در راستای این پژوهش، اشعار سپیده کاشانی و نصرالله مردانی انتخاب شده است؛ شاعرانی که دو چهره سرشناس و برجسته ادبیات دفاع مقدس به‌شمار می‌روند.

سپیده کاشانی از شاعران متعهد انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی است که زندگی، اشعار و اندیشه‌های وی به لحاظ بیان مضمون‌های دینی، انقلابی، ادبیات پایداری و دفاع مقدس و بازتاب رویدادهای انقلاب اسلامی، جبهه و جنگ، شایان توجه و بررسی است. سبک شعر کاشانی، بیشتر کلاسیک نو است. سروده‌های او بیشتر در قالب غزل بوده؛ اما اشعاری به شیوه نیمائی نیز سروده است.

«آغاز فعالیت‌های شعری وی، به‌طور جلی از سال ۱۳۴۸ بود. در سال ۱۳۵۲ دفتر شعری به نام پروانه‌های شب از او به چاپ رسید که همه آن به فضای خفقان‌آور آن زمان اشاره داشت» (اصلائی، ۱۳۸۳: ۱۸).

دوران شعری کاشانی، به دو مرحله قبل و بعد از انقلاب تقسیم می‌شود. حوادث سیاسی و اجتماعی هر دو دوره و به‌ویژه دوره دوم، در آثارش تأثیر زیادی می‌گذارد. مهم‌ترین درون‌مایه‌های اشعار وی عبارت‌اند از: غفلت‌ستیزی و دعوت به بیداری، انتظار منجی موعود، حماسه حسینی، شهید و شهادت، ادبیات پایداری و جبهه و جنگ، آموزه‌های دینی، قسط و عدل، منقبت پیامبر و... (صادق‌زاده، ۱۳۹۰: ۴۳). مجموعه شعرهای او پس از مرگش در دو کتاب سخن آشنا و هزار دامن گل سرخ چاپ شده است.

نصرالله مردانی، از شاعران بنام معاصر است که در سال ۱۳۸۹، چهره ماندگار ادبیات ایران انتخاب شده است. نام او به‌عنوان یکی از بنیان‌گذاران غزل حماسی در تاریخ ادبیات معاصر به ثبت رسیده است. همچنین او با ترکیب‌سازی و نوآوری خود، افق تازه‌ای را برای شاعران نوپای انقلاب به‌وجود آورد (محمودی، ۱۳۹۵: ۱۸۱). از آثار معروف این شاعر متعهد و نام‌آور، در دوران جنگ تحمیلی، می‌توان به قیام نور و خون‌نامه خاک اشاره کرد این دو مجموعه در سال ۱۳۶۴ به‌عنوان کتاب برگزیده سال انتخاب شدند.

یکی از ویژگی‌های شعر مردانی، قراردادن نمادهای ملی و اسطوره‌ای در کنار نمادهای دینی و آیینی است. حس آمیزی از عوامل دخیل در زیبایی و حسن تأثیر اشعار نصرالله مردانی و از اصلی‌ترین ارکان خیال در شعر این شاعر است (صدقی، ۱۳۹۲: ۱۸۷).

او شاعری خلاق و مضمون‌یاب بود که اصلی‌ترین مضمون‌های شعر او عبارت‌اند از: انقلاب، امام، رزمندگان، جانبازان، شهیدان و ارزش‌های برآمده از بطن انقلاب اسلامی.

در این مقاله بررسی می‌شود تفاوت‌ها و شباهت‌های کارکردهای عناصر طبیعت در شخصیت‌سازی پایداری در اشعار سپیده کاشانی و نصرالله مردانی کدام‌اند؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

درباره جلوه‌های عناصر گوناگون طبیعت در صورت و محتوای شعر سنتی و معاصر، پژوهش‌هایی انجام پذیرفته است

از جمله:

جَبَّارَةُ ناصرو و نبوی (۱۳۹۰)، «شیوه به کارگیری عناصر طبیعت در به تصویر کشیدن مضامین پایداری در شعر سلمان هراتی» را بررسی کرده‌اند. زرقانی (۱۳۹۰)، «تأثیرپذیری شاعران ادبیات معاصر از طبیعت با رویکرد توصیفی، استعاری، تمثیلی و یا نمادین در شعر پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی و فروغ فرخزاد» را بررسی کرده است. کلاهیچیان و حیدری‌نیا (۱۳۹۱)، «جلوه‌ها و شگردهای نمادپردازی با عناصر طبیعت در غزلیات مولوی» را بررسی کرده‌اند. امیری خراسانی (۱۳۹۲)، «کارکرد ماه به عنوان یک پدیده نجومی و دارای بازتاب وسیع در زندگی و ذهن بشر، در خمسه حکیم نظامی» را ارزیابی کرده است. یونسی رستمی (۱۳۹۳)، «سمبلیسم طبیعت در اشعار شفیع کدکنی» را بررسی کرده است.

در این میان، پژوهشی که جلوه‌های شخصیت‌سازی با عناصر طبیعت را در اشعار پایداری سپیده کاشانی و نصرالله مردانی بررسی کند، یافت نشد.

۱-۳. روش پژوهش

در مقاله حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی، کارکردهای عناصر طبیعت در شخصیت‌سازی پایداری در اشعار سپیده کاشانی و نصرالله مردانی بررسی می‌شود.

۲. گونه‌های عناصر طبیعت در شخصیت‌سازی پایداری در اشعار سپیده کاشانی و نصرالله مردانی

این بخش، فقط درآمده است برای ورود به بحث اصلی که در بخش بعد، مطرح می‌شود. سپیده کاشانی و نصرالله مردانی برای ساختن شخصیت‌های پایداری از عناصر طبیعت، شامل گل‌ها و گیاهان، اجرام آسمانی، حیوانات و پرندگان، آب و وابسته‌های آن، فصل‌ها، زمان (شب، روز، صبح)، صخره و آتشفشان، بهره گرفته‌اند.

در اشعار کاشانی به طور کلی، ۸ گونه از عناصر طبیعت، به شخصیت‌سازی پایداری منجر شده و به تعداد ۱۲۳ بار به کار رفته‌اند که در این میان، گل‌ها و گیاهان، از بسامد بیشتری برخوردارند.

گل‌ها و گیاهان (شامل سرو، لاله، شقایق، کوب آبی، نرگس، شکوفه و باغ) ۴۵ بار؛ اجرام آسمانی (آفتاب، ماه، شهاب، خورشید، اختر، ناهید و مهر) ۲۹ بار؛ پرندگان و حیوانات (کبوتر، توسن، هما، مرغ، بلبل، پروانه، سینه‌سرخ، غزال، چکاوک، عنده‌لب و طائر) ۱۷ بار؛ فصل‌ها (بهار، پاییز و خزان) ۹ بار؛ زمان (شب و روز، فجر و سحر) ۹ بار؛ آب و وابسته‌های آن (دریا، موج، شبنم، ابر و چشمه) ۷ بار؛ صخره، قلّه و خاک ۴ بار و شعله ۳ بار استفاده شده‌اند.

در اشعار کاشانی، گل‌ها و گیاهان، از بسامد فراوانی نسبت به سایر عناصر طبیعت برخوردارند که می‌تواند به دلیل لطافت عواطف زنانه شاعر و تأثیر بیشتر ویژگی‌های گل‌ها و گیاهان بر نگرش و تصویرسازی او باشد. علاوه بر این که خلق تصاویر زیبا و ساختن مفاهیم و شخصیت‌های پاک، معنوی و عرفانی مانند راهبر و شهید، به کمک گل‌ها، گیاهان و درختان، مقدرتر و مؤثرتر است.

مردانی به کمک ۸ گونه از عناصر طبیعت، در مجموع ۸۱ بار شخصیت‌سازی می‌کند و در این میان گل‌ها و گیاهان با ۱۸ بار استفاده از بسامد بیشتری برخوردارند.

این عناصر شخصیت‌ساز طبیعت، در شعر نصرالله مردانی به ترتیب بسامد، عبارت‌اند از: گل‌ها و گیاهان (شامل لاله، جنگل، شقایق، نیلوفر، شکوفه و خار) ۱۸ بار؛ اجرام آسمانی (خورشید، آفتاب، ستاره، ماه، شهاب و مهتاب) ۱۷ بار؛ زمان (شب، روز، سحر و صبح) ۱۵ بار؛ پرندگان و حیوانات (آهو، عقاب، پرنده، بلبل، مرغک، جغد، گرگ و روباه) ۱۳ بار؛ باد، رعد، طوفان و تندر، ۱۰ بار؛ آب و وابسته‌های آن (باران، دریا، ابر و موج) ۴ بار؛ فصل‌ها (بهار و پاییز) ۳ بار و آتشفشان ۱ بار.

همان‌طور که می‌بینیم، در شعر مردانی هم استفاده از گل‌ها و گیاهان دارای بسامد بیشتری نسبت به سایر عناصر طبیعت است که روح لطیف شاعرانه و توانایی ترکیب‌سازی با کاربرد اجزاء طبیعت در این شاعر، بر این موضوع مؤثر است. همچنین تأثیر پوشش گیاهی و زیبایی‌های طبیعی شهر کازرون (زادگاه مردانی) بر روح و جان مردم آن سامان که انواع و اقسام گیاهان دارویی از جمله گیاه بابونه را کشت می‌کنند نیز نمی‌توان نادیده گرفت.

۱-۲. کارکرد معنایی عناصر طبیعت در شخصیت‌سازی پایداری در اشعار سپیده کاشانی و نصرالله مردانی

در این بخش، ابتدا شخصیت‌های پایداری مشترک در شعر دو شاعر را بررسی نموده، سپس به بررسی شخصیت‌هایی که هر یک از دو شاعر، منحصرأ به آن‌ها پرداخته‌اند، می‌پردازیم.

کاشانی، عناصر طبیعت را برای ساختن شخصیت‌های شهید، راهبر و پیشوا، منجی و رهایی‌بخش، زن مقاوم ایرانی، دشمن، منافقان و خیانتکاران به کار برده است. در شعر مردانی نیز از عناصر طبیعت، برای ساختن شخصیت‌های رهبر، شهید، دشمن و رزمندگان استفاده شده است؛ البته گاهی مردانی عناصر طبیعت را در ترکیب با واژه‌های دیگر در مفهوم شخصیت پایداری یا به جای خود شخصیت پایداری به کار می‌گیرد مثل (شب‌شکن، سردار دریایی و...). سه شخصیت راهبر، شهید و دشمن، شخصیت‌های مشترک در شعر دو شاعر نام‌برده هستند. در ضمن، هر یک از آن دو، شخصیت‌های مستقلی نیز ترسیم کرده‌اند که در شعر کاشانی، شامل زن مقاوم ایرانی، منجی و منافق خیانتکار و در شعر مردانی، شامل رزمندگان دلاور است.

۱-۱-۲. راهبر و پیشوا

یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در دفاع مقدس، رهبری و فرماندهی امام خمینی (ره) بود. ایشان، محور و قطب انقلاب اسلامی است و در آثار ادبی، بیشتر با نگاه عارفانه، پیر، مراد و مرشد شناسانده می‌شود که در رزم و جهاد باید گوش به فرمان او داشت (سنگری، ۱۳۸۶: ۳۱).

سپیده کاشانی برای بیان مفهوم رهبر از عناصر طبیعت شامل گل‌ها و گیاهان، اجرام آسمانی، زمان، حیوانات، آب و مشتقات آن به تعداد ۲۳ بار بهره گرفته که از این میان، گل‌ها و گیاهان و اجرام آسمانی هر کدام با ۸ نمونه از بسامد بیشتری برخوردارند. علت استفاده شاعر از اجرام آسمانی، ویژگی‌های این عناصر مانند هدایتگری، امیدبخشی، جلوه‌گری، روشنی‌بخشی و... است که رابطه مستقیمی با صفات راهبر و پیشوا دارد.

در غزل «بدرقه عشق»، کاشانی از روز رحلت امام خمینی (ره) سخن می‌راند. از مردمی می‌گوید که از درد فراق مرادشان به جنون رسیده‌اند. او امام (ره) را از حیث پایداری، آزادگی، والایی و سرافرازی به سرو تشبیه می‌کند؛ سروی که بلندایش، بر سر وطن و مردم، سایه افکنده است:

جان ما از قفس جسم برون آوردند
تا که آن سرو روان، سایه ز مسجد برچید
در مصّلی، همه گل‌های جنون آوردند
اشک را بدرقه صبر و سکون آوردند
(کاشانی، ۱۳۷۰: ۵۸)

جان ما از قفس جسم برون آوردند
تا که آن سرو روان، سایه ز مسجد برچید

او با مثنوی دردمندانه‌ای، امام خمینی (ره) را که حضورش مانند آفتابی گرمابخش و امیددهنده در زندگی یارانش جریان داشت، در آخرین روزهای حیات، به ماهی تشبیه می‌کند که در محاق افتاده است و مردم را بسان یتیمانی می‌داند که از تابش آفتاب محبت و هدایتش، محروم خواهند شد:

می‌دهد جمع یتیمان را جواب؟
بعد از این ما و غم درد فراق
(همان: ۱۲۸)

بعد از این محنت، چه کس ای آفتاب!
ماه ما! افتاده‌ای اندر محاق

شاعر در ابیات زیر به رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اشاره می‌کند و به بیان محاسن ایشان پرداخته و او را رهرو راستین راه امام راحل می‌داند. شخصی که از نسل ناهید (نوادگان پیامبر) و از مبارزان دوران انقلاب بوده، یادگاری از پیر ماست که مانند چشمه زلال و جوشانی، ملت را به مسیر هدایت و رستگاری، رهنمون می‌شود:

پرچم آزادگی بر دوش اوست
اختری از نسل ناهیدست او
جلوه‌ها دارد ز باغ آفتاب
چشمه‌سار روشن تقدیر ماست
(همان: ۱۹۲)

شعشعه خورشید در آغوش اوست
آفتاب ملک توحیدست او
آن امیر خیمه‌های انقلاب
سید ما یادگار پیر ماست

برای مشاهده شواهد بیشتر ر.ک: صص ۵۷، ۵۸، ۱۲۸، ۱۳۶، ۱۵۴، ۱۶۳، ۱۸۹، ۱۹۲ و ۲۱۷.

مردانی نیز توجه ویژه‌ای به بهره‌گیری از عناصر طبیعت در راستای تبیین شخصیت راهبر و پیشوا دارد. او که از آغاز نهضت امام خمینی (ره) در جریان انقلاب حضور داشته، به‌خوبی از نقش محوری و تعیین‌کننده پیشوای دینی در پیروزی و پیشبرد انقلاب اسلامی و جریانات پس از آن، آگاه است. مردانی برای بیان مفهوم رهبر، از عناصر طبیعت مانند خورشید، سحر، گل، آفتاب، ماه، ستاره، طوفان، آهو، عقاب، آتشفشان و ترکیباتی مثل شب‌شکن (عنصر طبیعت در ترکیب با واژه‌ای دیگر) ۲۵ بار بهره می‌گیرد که در این میان خورشید با ۷ نمونه از بسامد بیشتری برخوردار است.

در بیت زیر، مردانی از ویژگی حیات‌بخشی، مقارنت با صبح و روشنایی‌بخشی خورشید، یاری جسته و راهبر را به آن همانند می‌کند تا نقش حیاتی ایشان را در بیدارسازی و هدایت مردمی که سال‌ها در خواب غفلت به سر برده‌اند یادآور شود:

آن که کرد از خواب سنگین قرون، بیدارتان
(همان: ۱۸)

وارثان خاک، خورشید شما روح خداست

در نمونه‌ای دیگر شاعر با تشبیه امام خمینی (ره) به طوفان و استفاده از ویژگی دگرگون‌کنندگی و قدرت آن، نقش رهبر را در ایجاد تحول، دگرگونی و شهادت‌طلبی در افکار انقلابیون، تبیین می‌کند:

شوید از رخساره هستی، غبار سرنوشت؟
(همان: ۳۴)

کیست تا با آب خون چون پیر طوفان خوی ما

در این نمونه مردانی امام خمینی (ره) را به خورشیدی تشبیه می‌کند که با هویتی ملکوتی، مسیر عشق را روشنی می‌بخشد و بشارت‌دهنده پیروزی و شادمانی است:

آن‌سوی افق‌های روان در گذر عشق
خورشید گل‌آواز و صبور سحرست این
(همان: ۱۶)

برای شواهد بیشتر ر.ک: صص ۲۷، ۷۳، ۷۷، ۹۳، ۱۰۵، ۱۶۶، ۱۷۹، ۱۹۴، ۳۶۳، ۳۶۴ و ...

از مقایسه این شواهد در می‌یابیم که شخصیت راهبر در شعر مردانی نسبت به کاشانی از بسامد بیشتری برخوردار است. در عین حال، هر دو شاعر از اجرام آسمانی، به خصوص دو عنصر خورشید و مهر، در بیان این مفهوم، بیشتر یاری جسته‌اند.

۲-۱-۲. شهید

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد انقلاب اسلامی در ابعاد معنوی و فرهنگی، رواج و گسترش ایثار و شهادت است؛ فرهنگی که حوزه امتحانی آموزه‌های انقلاب و دفاع مقدس بوده و هست و نیز گسترش دهنده و مروج این تفکر ناب و باارزش خواهد بود. (آقاخانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹)

در ایران، دفاع، مقوله‌ای ایدئولوژی محور است و وطن بعد از آن قرار می‌گیرد. در حالی که در بسیاری از کشورها، دفاع از وطن، مقوله مهم‌تری به‌شمار می‌رود؛ پس فرهنگ دینی ما، به این دفاع و کشته‌شدن در راه دین و وطن، اهمیت و تقدس می‌بخشد. سپیده کاشانی نیز با سرودن اشعاری در وصف شهدا و ایثارگران، سعی در ادای دین خویش نسبت به این قهرمانان دارد. علت پرداختن کاشانی به مقوله شهید و شهادت، علاوه بر دلیلی که ذکر شد، می‌تواند احساسات عمیق مادرانه و زنانه، حضور فیزیکی ایشان در بسیاری از میادین جنگ تحمیلی و مشاهده شهادت رزمندگان اسلام از نزدیک باشد.

برای بیان این منظور ۵۱ بار از عناصر طبیعت بهره گرفته است که شامل گل‌ها و گیاهان، حیوانات، زمان (شب و روز)، اجرام آسمانی، آب و مشتقات آن بوده، در این میان، گل‌ها و گیاهان با ۴۳ بار استفاده، از بسامد بیشتری برخوردارند. سپیده کاشانی، شهید را مانند کبوتری پاک و سپید می‌داند که عاشقانه و از سر شوق، به سوی معشوق ابدی و ازلی پر می‌کشد و وظیفه رساندن غم‌نامه‌های ما را به دست حضرت دوست، برعهده می‌گیرد:

تو چه عاشقانه از شاخه شوق پر کشیدی!
که بری به دوست غم‌نامه من، کبوتر من
(همان: ۱۰۰)

او شهیدان را گل‌هایی می‌داند که جایشان در بهار پیروزی خالی‌ست. لاله‌های صحرائی، در این مصراع از شعر کاشانی، همان مردم پریشان و داغدار ایرانند:

جای نازنین گلها، در بهار ما خالی‌ست
کز فراقشان گریزند، لاله‌های صحرائی
(همان: ۱۱۶)

برای مشاهده شواهد بیشتر ر.ک: صص ۱۹، ۲۱، ۳۸، ۱۶۴، ۴۶، ۱۶۵، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۴۱، ۲۶۳ و ...

مردانی نیز می‌کوشد تا با اشعارش، به زیبایی شهیدان را توصیف کند و فداکاری‌های آنان را بستاند. در بیان مفهوم شهید، در اشعار مردانی از عناصر طبیعت گل‌ها، پرندگان، اجرام آسمانی، آب و وابسته‌های آن در مجموع ۲۴ بار استفاده شده که گل‌ها و به‌ویژه لاله با ۱۰ کاربرد، از بسامد بیشتری نسبت به سایر عناصر طبیعت شخصیت‌ساز، برخوردار است. در بیت زیر، شاعر به فریادهای الله‌اکبر شهیدان که از کهکشان‌ها هم گذشته، اشاره می‌کند. به نظر شاعر، آنان در آسمان

شهادت، مثل شهاب سرخ‌رنگی هستند که در دل تیرگی و ظلمت می‌درخشند و سیاهی‌ها و گمراهی‌ها را می‌رانند:

گذشت نعرهٔ تکبیرشان ز بام سپهر **به کهکشان شهادت، شهاب خون‌بارند**
(مردانی، ۱۳۷۰: ۱۳)

در بیت بعدی، شاعر، شهید را ستارهٔ روشنی‌بخش، جلوه‌گر و هدایت‌کننده‌ای می‌بیند که در میان آتش جنگ، پیکر مطهرش می‌سوزد. او معتقد است که دین، باور و اعتقاد مبارزان اسلام، همان وصیت‌نامه‌هایی بود که با خونشان می‌نوشتند:

در شطّ سرخ آتش، نعش ستاره می‌سوخت **خون‌نامهٔ نبرد است؛ آیین پاسداران**
(همان: ۲۴)

شواهد بیشتر را ببینید در: صص ۱۲، ۳۶، ۵۵، ۸۷، ۱۱۴، ۱۲۱، ۱۷۱ و ...

از مقایسهٔ شواهد درمی‌یابیم که شخصیت شهید در شعر کاشانی از بسامد بیشتری نسبت به شعر مردانی برخوردار است؛ ضمن این که هر دو شاعر از گل‌ها (به‌ویژه لاله) و جانوران (به‌خصوص کبوتر) در القاء این مفهوم، بیشتر استفاده کرده‌اند.

۲-۱-۳. دشمن

ستیز و جنگ، همیشه با تصویری از قساوت‌ها، خیانت‌ها و جنایت‌های دشمن، همراه است (سنگری، ۱۳۹۰: ۶۰). کاشانی نیز در اشعار خود، به‌ویژه در غزل‌هایش به مذمت دشمن می‌پردازد و برای این منظور، از بخشی از طبیعت، مانند پاییز، خزان، زمستان، شب، شهاب و پرندگان، مجموعاً ۱۰ بار استفاده کرده که در این میان فصل‌ها (شامل پاییز و زمستان) با ۳ بار استفاده، از بسامد بیشتری برخوردار است. علت آن به ویژگی این فصل‌ها یعنی: سرما، رکود، پژمردگی، زحمت، ناامیدی و صفاتی مانند آن بازمی‌گردد. برای مثال، در غزلی خطاب به دشمنان ستمکاری که خانهٔ خدا را برای زائرانش ناامن کرده‌اند، چنین می‌سراید:

خانهٔ امید من، ای قبلهٔ آزادگان! **بگر آن نمرود با عشاق پیغمبر چه کرد؟**
دامت روزی گل‌افشان بود از گل‌های وحی **با تو ای گلزار جان! پاییز غارتگر چه کرد؟**
(همان: ۴۷)

در بیت زیر گرگ با داشتن خصلت قساوت و بی‌رحمی در ساختن شخصیت دشمن ستمگر به کار رفته است. گرگ، مزدوران رژیم ستم‌شاهی و گلهٔ بی‌چوپان، مردم درمانده و بی‌یاوری بودند که در فقر و نداری و تنگدستی به‌سر می‌بردند:

رها به دشت و دمن گرگ و گلهٔ بی‌چوپان **نبود لقمهٔ نانی به سفرهٔ دهقان**
(همان: ۱۲۸)

برای مشاهدهٔ شواهد بیشتر ر.ک: صص ۴۷، ۵۲، ۱۴۳ و ۱۵۸.

مردانی برای بیان مفهوم دشمن از عناصر شب، جغد، گرگ، خار، زغن، مرداب و باد در مفهوم استبداد و طاغوت، دشمن شوم، درنده، آسیب‌رسان، نابودکننده و برهم‌زنندهٔ آرامش و امنیت، ۷ بار استفاده کرده که حیوانات با ۳ کاربرد از بسامد بیشتری برخوردارند. دلیل این انتخاب، خوی درندگی و شقاوت و بی‌رحمی دشمن است که خصلت حیوانات وحشی‌ست.

در ابیات زیر شاعر با بهره‌گیری از جغد، باد و شب مفاهیمی چون: نحوست، ناامیدی، رنج، افسردگی، ویرانگری، سردی قلب و فکر و روح، احساس خفقان، هراس، قساوت، بی‌رحمی و مانند آن‌ها را بازتاب می‌دهد. لازم به توضیح است که باد در عین حال که می‌تواند نشان شخصیت باشد؛ اما بیشتر مفهوم ویرانگری، سرما و پریشان‌کنندگی را انتقال می‌دهد:

شبی که جغد ساهی نفیر نفرین داشت
به هر کرانه وزان، بادهای زهرآلود
زبان دشنه، به لب حرف‌های خونین داشت
هوای عاطفه مسموم و حکمران شب بود
(مردانی، ۱۳۷۰: ۱۲۸)

خار در بیت زیر نماد دشمنی آزاردهنده است که خصلت گزندگی دارد و حضورش عامل درد و آزار است. نسیم در مفهوم پیام‌آور دوست و بشارت‌دهنده شادی و امید است. گل هم حامل مفاهیم معصومیت و لطافت و شکنندگی است که شرح حال مردم ناامید و دلسوخته آن زمانه ناسامان است:

ز تیغ خار، گلوی شکوفه خون‌افشان
نسیم مرده و گل‌ها ز تشنگی سوزان
(همان: ۱۲۹)

روبه به نیرنگ‌بازی معروف است و شاعر ادعا می‌کند که دشمنان ما، روبه‌هایی هستند که در عین نیرنگ‌بازی، ترسویند و در سرزمین شیران و مهد مردان شجاع، چنین دشمنانی فقط مرگ را تجربه می‌کنند:

مرگ را با چشم خود دیدند در گرداب خون
خیل روبه‌سیرتان، در بیشه پُرشیر ما
(همان: ۴۷)

برای مشاهده شواهد بیشتر ر.ک: صص ۴۷، ۱۱۲، ۱۲۸ و ۱۲۹.

در مقایسه شواهد شعری دو شاعر، می‌توان دریافت که سپیده کاشانی با ۱۰ بار استفاده از عناصر طبیعت به مقوله دشمن اختصاص داده است و بسامد بیشتری نسبت به مردانی با ۷ بار استفاده دارد. ضمن این که هر دو شاعر برای بیان شخصیت دشمن، از حیوانات وحشی با بسامد فراوانی، بهره جسته‌اند.

همان‌طور که گفته شد، شخصیت‌های منجی‌رهای بخش، زن مقاوم ایرانی و منافق خیانتکار، شخصیت‌هایی هستند که فقط سپیده کاشانی به آن‌ها پرداخته که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

۲-۱-۴. منجی

یکی از درون‌مایه‌های شعر پایداری، اعتقاد و بشارت ظهور منجی‌ای است که با آمدنش بساط ظلم و ستم برچیده خواهد شد. شعر کاشانی نیز از این قاعده جدا نیست. او عناصری از طبیعت شامل سحاب، گل، غنچه نرگس، چشمه، سبزه، بهار، خورشید و مرغ دریا را ۱۶ بار برای ساختن این شخصیت استفاده کرده که در این میان، گل با ۸ کاربرد، بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است. به کاربردن گل در مفهوم منجی، علاوه بر عصمت و طهارت خاندان پیامبر(ص)، به جلوه‌گری و نیک‌سیرتی ائمه معصومین(ع) هم اشاره دارد. در شعر کاشانی، لفظ منجی، فقط به امام زمان(عج) اطلاق می‌شود:

در بیت زیر کاشانی، ظهور حضرت مهدی(عج) را بسان شکفتن گلی بهار آفرین و طراوت‌بخش می‌داند که ثمره‌اش گسترش عدل، آرامش، شادمانی و احساس عشق و نشاط است. تصویر لاله‌زار در این بیت هم به صورت غیرمستقیم ارزش شهادت‌های مرتبط با این ظهور را تبیین می‌کند و هم بر کثرت و گستره انتظار و عدالت‌خواهی دلالت دارد.

آن‌گه که بشکوفد آن گل، بر شاخسار عدالت
از طرف هر لاله‌زاری، بانگ هزاری برآید
(کاشانی، ۱۳۸۹: ۶۵)

در نمونه زیر، با توجه به نقش و اهمیت نور در ادبیات عرفانی، شاعر امام زمان(عج) را به ماهی منور همانند می‌کند که اکنون در پرده‌های اسرار و حکمت الهی پنهان است و عیان شدن ایشان را تمنا می‌کند تا نور امید، هدایت و شادی را به

منتظران ظهورش عطا کند:

به هفت پرده اسرار نور، مستتری
عیان نه‌ای، مه مستور، آشکار بیا!
(همان: ۲۶۷)

شواهد بیشتر را ببینید در: صص ۶۵، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۴۷ و ۲۶۷.

مردانی از عناصر طبیعت برای ساختن شخصیت پایداری منجی، بهره نبرده است.

۲-۱-۵. خیانتکار و منافق

خائنان در شعر کاشانی هستند که با گمراهی و نادانی، خود را بر حق دانسته، به مردم خود آسیب می‌زنند. معرفی این شخصیت در شعر کاشانی به کمک عناصر طبیعت شامل فصل خزان و پاییز و ترکیبات اضافی مانند پیک خزان و بد-اختر (ترکیب عنصر طبیعت به همراه واژه) در مجموع ۵ بار صورت می‌گیرد. بهار و خزان در این دو نمونه در تقابل با هم قرار گرفته، بر مفهوم خیر و شر، امید و ناامیدی، شادی و اندوه، رنج و راحت و مانند آن‌ها دلالت دارند:

هفتم تیر آمد و دزد خزان
هم سفران دزد بهار آمده‌ست
زد چو شیخون به بهار جوان
پیک خزان بهر چه کار آمده‌ست؟
(کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۱۳)

برای دیدن شواهد بیشتر ر.ک: صص ۳۰، ۳۳، ۱۷۶ و ۲۶۱.

در میان این دو شاعر، تنها سپیده کاشانی به کمک عناصر طبیعت، شخصیت منافق را بازسازی کرده است.

۲-۱-۶. زن مقاوم ایرانی

در تمام اعصار تاریخ، زنان نقش عمده و بسزایی را در تعیین سرنوشت یک ملت، چه در زمان صلح با وظیفه سامان‌دهی به خانواده، چه در زمان جنگ با نقش انگیزشی و حمایتی درباره رزمندگان و سربازان و چه در زمان پساجنگ با نقش سازندگی، عهده‌دار بوده‌اند و کاشانی به عنوان یک زن از این مهم غافل نبوده است؛ به همین دلیل در اشعارش با ۱۴ بار استفاده از عناصر طبیعت که اجرام آسمانی با ۵ کاربرد، بسامد بیشتری را شامل می‌شوند، از این قهرمانان بی‌نشان یاد کرده است.

در این نمونه شاعر با استفاده از تشبیه مضمهر و تفضیلی بهاران، زن را در زندگی بخشی، ایجاد آرامش و امید، انگیزه و شادمانی به بهار همانند می‌کند و در عین حال با استفاده از صفت گل پرور، نقش او را در پرورش انسان‌های نیک‌سیرت و پاک که می‌توانند همان رزمندگان باشند، تبیین می‌کند:

گردآفرین، آفرین باد بر صبر بارآور تو!
رشک بهاران است ای زن، دامان گل‌پرور

در این نمونه، با تشبیه زن عفیف آگاه و استوار به ستاره، نقش آنان را در روشن کردن مسیر همسران و فرزندان و در کل، عموم جامعه تبیین می‌کند. استفاده از رنگ نمادین آبی در کنار کوب، علاوه بر تبادر آسمان که با مفهوم تعالی و والایی قرین است، عاطفه، آرامش، امید و اطمینان را در شعر جاری می‌سازد:

نه دیو شرقت فریبید، نه غرب عفتت رباید
ای کوب آبی دور! شد رهنما اختر تو
(کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۷۵)

شواهد بیشتر را ببینید در: صص ۲۵، ۳۸، ۴۳ و ۲۷۵.

از میان این دو شاعر، فقط کاشانی، به ساختن شخصیت زن مقاوم ایرانی، به کمک عناصر طبیعت، پرداخته است. در این قسمت به بررسی شخصیت‌های رزمندگان و مردم می‌پردازیم که فقط در شعر مردانی به کمک عناصر طبیعت ساخته شده‌اند؛ ولی در شعر کاشانی به کمک عناصر طبیعت به این شخصیت‌ها، پرداخته نشده‌است:

۲-۱-۷. رزمندگان

منظور از رزمندگان در این بخش، اشاره به جنگ‌آوران با تمرکز بر رزم و جهاد آنهاست، وگرنه شهدا هم همان رزمندگانند و این دو شخصیت از هم جدا نیستند؛ ولی در شعر کاشانی این مفهوم روی شهید متمرکز است؛ در حالی که مردانی به رزمندگان در حال رزم هم اشاره دارد. مردانی در بیان این مفهوم از عناصر طبیعت، شامل زمان (صبح و سحر)، گل‌ها، فصل‌ها، آب و مشتقات آن (موج و دریا) و ترکیباتی مانند دلاوران سحر، سواران موج، سپاهیان روز و... ۱۶ بار استفاده کرده است و در این میان زمان با ۸ نمونه شعری از بسامد بیشتری برخوردار است.

سحر در این نمونه نمادی است برای انتقال مفهوم پیروزی، رهایی، شادمانی و بشارت، امید و آزادی:

سپاهیان سحر در حضور پایداری
روند بودن آینده را رقم بزنید!
(همان: ۸)

در این بیت نیز دریا می‌تواند بر مفاهیمی چون: عظمت شأن، سخاوت، شرح صدر، ژرفای شخصیت و حتی مفهوم عرفانی ارتباط با عالم ملکوت دلالت داشته باشد و موج هم علاوه بر وابستگی به همان مفهوم دریا، می‌تواند نشانه خیزش و جوشش، تکاپو و مبارزه، قدرت و حرکت سازنده باشد:

به پا خیز ای سوار موج، ای سردار دریایی!
پریشان با طنین طبل طوفان، خواب دریا کن!
(همان: ۴۰)

برای مشاهده شواهد دیگر ر.ک: صص ۲۵، ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۱۲۱، ۱۷۳ و ۲۰۵.

این مفهوم، به کمک عناصر طبیعت، توسط کاشانی ساخته و پرداخته نشده است.

۳. نتیجه‌گیری

مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

نتایج مربوط به یافته‌های کارکرد معنایی عناصر طبیعت در شخصیت‌سازی پایداری در اشعار سپیده کاشانی:

در اشعار وی، برای شخصیت‌سازی پایداری هشت گونه از عناصر طبیعت وجود دارد که گل‌ها و گیاهان (شامل سرو، لاله، شقایق، کوب آب، نرگس، شکوفه و باغ) با ۴۵ بار استفاده بیشترین بسامد را داراست. بعد از آن، اجرام آسمانی با ۲۹ بار (آفتاب، ماه، شهاب، خورشید، اختر، ناهید و مهر)؛ پرندگان و حیوانات ۱۷ بار (کبوتر، توسن، هما، مرغ، بلبل، پروانه)؛ فصل‌ها با ۹ بار (بهار، پاییز و خزان)؛ زمان با ۹ بار (شب، روز، فجر و سحر)؛ آب و وابسته‌های آن ۷ بار (دریا، موج، شبنم، ابر و چشمه)؛ صخره، قله و خاک با ۴ بار و شعله با ۳ بار، به ترتیب بسامد قرار می‌گیرند.

مفهوم شهید با ۵۱ نمونه شعری، پُربسامدترین کارکرد معنایی عناصر طبیعت در شخصیت‌سازی پایداری اشعار سپیده کاشانی است که برای این شخصیت پایداری، از عناصر طبیعت شامل خورشید، اختر، گل و به‌خصوص لاله، شعله، شبنم، هما، بلبل، سرو، پروانه، سینه‌سرخ، غزال، کبوتر، چکاوک و بهار استفاده کرده است.

راهبر و پیشوا از شخصیت‌هایی است که با ۲۳ نمونه شعری، بسامد بعدی را در شعر کاشانی دارد و با عناصر طبیعت شامل آفتاب، اختر، ناهید، شهاب، شعله، شب‌افروز، گل، سرو، باغبان، چشمه‌سار توسن و... به آن پرداخته شده است. دشمن با ۱۰ بار استفاده از عناصر پاییز، شب و خزان ساخته شده است. زن مقاوم ایرانی با ۱۴ بار استفاده از عناصر طبیعت، شامل باغ، گلزار، گل، مهر، اختر، کوب، موج، ماهی و طائر ساخته شده است. خیانتکار و منافق با ۵ کاربرد و با استفاده از عناصر طبیعت خزان و ترکیباتی مانند دزد بهار، پیک خزان و بد اختر خلق شده است. منجی و رهایی‌بخش با ۱۵ کاربرد، به کمک عناصر طبیعت شامل سحاب، گل، باغبان، غنچه نرگس، چشمه، سبزه، بهار، خورشید و ماه، ساخته شده است.

نتایج مربوط به یافته‌های کارکرد معنایی عناصر طبیعت در شخصیت‌سازی پایداری در شعر نصرالله مردانی:

در اشعار نصرالله مردانی، به منظور شخصیت‌سازی پایداری هشت مجموعه از عناصر طبیعت مشاهده می‌شود که گل‌ها و گیاهان با بسامد ۱۸ بار (شامل گل، لاله، جنگل، شقایق، نیلوفر، شکوفه و خار) جایگاه اول را دارد. پس از آن به ترتیب، اجرام آسمانی با ۱۷ بار (خورشید، آفتاب، ستاره، ماه، شهاب و مهتاب)؛ زمان با ۱۵ بار (شب، روز، سحر و صبح)؛ پرندگان و حیوانات با ۱۳ بار (آهو، عقاب، پرنده، بلبل، مرغک، جغد، گرگ و روباه)؛ رعد و طوفان و تندر با ۱۰ بار؛ آب و وابسته‌های آن با ۴ بار (باران، دریا ابر و موج)؛ فصل‌ها با ۳ بار (بهار و پاییز) و آتشفشان با ۱ بار قرار دارند.

راهبر و پیشوا با ۲۵ بار استفاده، در جایگاه اول قرار دارد. وی به این منظور عناصر سحر، گل، آفتاب، ماه، ستاره، طوفان، آتشفشان، بهار، عقاب و ترکیباتی مانند شب‌شکن و... را به کار برده است. شهید با ۲۴ بار استفاده از عناصر طبیعت، بسامد بعدی را داراست. وی برای این مقصود از عناصر گل، لاله، شقایق، پرنده، شهاب، ستاره و... استفاده کرده است. دشمن با ۷ بار، آخرین کارکرد معنایی مشترک در شعر دو شاعر است. مردانی برای این منظور، از عناصر طبیعت جغد، گرگ، روباه، شب و باد بهره گرفته است. رزمندگان با ۱۶ بار استفاده از عناصر طبیعت و ترکیب این عناصر با واژه‌های دیگر مانند سپاه روز، سپاه سحر، دلاور صبح، صبح ظفرسواران، نیلوفران خاکی، روح سبز باران، سوار موج، سردار دریایی و... نمایان می‌شوند.

حال براساس نتایج به‌دست آمده در این مقاله، به بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در اشعار دو شاعر نام‌برده می‌پردازیم:

در بیان شباهت‌های یافته شده، مهم‌ترین عناصر مشترک شامل گل‌ها و گیاهان، اجرام آسمانی، پرندگان و حیوانات، فصل‌ها، زمان و وابسته‌های آن است. علت استفاده از این عناصر، قابلیت آن‌ها در ساختن شخصیت‌های پایداری است؛ زیرا اوصافی که برای این عناصر وجود دارد، رابطه مستقیمی با شخصیت‌های پایداری دارد.

از منظر کارکرد معنایی، هر دو شاعر از ۸ گونه از عناصر طبیعت در شخصیت‌سازی پایداری بهره گرفته‌اند که به ترتیب بسامد، کارکردهای راهبر، شهید و دشمن، در میان دو شاعر مشترک‌اند. علت کاربرد این مفاهیم در شعر هر دو شاعر، این است که این سه شخصیت از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین شخصیت‌های دفاع مقدس بودند. هر دو شاعر برای شخصیت راهبر، بیشتر از عنصر خورشید به علت صفت حیات‌بخشی و هدایتگری، بهره گرفته‌اند؛ زیرا خورشید در میان اجرام آسمانی، یکتاست و سایر سیاره‌ها بر مدار آن می‌چرخند و نشانه یگانه بودن راهبری است که مردم از او دستور می‌گیرند و

وجودش برای آنان آرام‌بخش است. برای شخصیت شهید، بیشتر از گل و به‌ویژه لاله استفاده کرده‌اند که دلیل آن پاکی، معصومیت و نیک سیرتی شهیدان است که از این حیث به گل شباهت دارند. همچنین برای مفهوم دشمن از جانوران منحوس و شوم بهره گرفته‌اند؛ زیرا این جانوران با حمله به جانوران دیگر، آن‌ها را فدای بقای خود می‌کنند.

در بیان تفاوت‌های یافته شده از منظر کارکرد معنایی، شخصیت‌های پایداری در اشعار کاشانی از تنوع بیشتری برخوردار است. وی به شخصیت‌هایی نظیر منجی، زن مقاوم ایرانی، خیانتکاران و منافقین پرداخته که در شعر مردانی به آن‌ها پرداخته نشده است. مردانی نیز به کمک عناصر طبیعت، شخصیت رزمندگان را ساخته که کاشانی به آن پرداخته است؛ به‌علاوه، کاشانی با ۱۲۳ نمونه شعری، نسبت به مردانی با ۸۱ نمونه شعری، از عناصر طبیعت برای شخصیت‌سازی، بیشتر بهره گرفته است.

با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش، سپیده کاشانی از تعداد بیشتری از عناصر طبیعت بهره گرفته و موفق به ساخت شخصیت‌های پایداری بیشتری شده است و از این حیث نسبت به مردانی در جایگاه بالاتری قرار دارد.

فهرست منابع

۱. آقاخانی، بیژن؛ صادقی، محمود؛ جهانگیر صفری، اسماعیل. (۱۳۸۹). «تحلیل چند مؤلفه پایداری در آثار شاعران پایداری». *ادبیات پایداری*، دوره ۶ شماره ۱۰، صص ۳۱-۴۲.
۲. اصلانی، محمدرضا. (۱۳۸۳). *لاله کویر*. زندگی‌نامه استاد سپیده کاشانی. تهران: سوره مهر.
۳. امیری خراسانی، احمد؛ مجاهدی، حکیمه. (۱۳۹۲). «ماه و کاربردهای آن در خمسه نظامی (علمی-پژوهشی)». *ادبیات پایداری شهید باهنر کرمان*، شماره ۱۶، صص ۵۳-۷۴.
۴. جبارۀ ناصرو، عظیم؛ نبوی، سمیه. (۱۳۹۰). «طبیعت و شیوه به کارگیری آن در اشعار سلمان هراتی». *علوم ادبی*، سال سوم، شماره ۶۹، صص ۹۷-۲۲۰.
۵. زرقانی، سید مهدی. (۱۳۹۰). «تحلیل تعامل سه شاعر زن معاصر با نمونه‌ای از سنت فرهنگی رایج ایرانی». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی*، دوره ۲۰، شماره ۹، صص ۲۲۰-۲۵۰.
۶. سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۶). *پرسه در سایه خورشید*، چاپ دوم. تهران: لوح زرین.
۷. ----- (۱۳۹۰). *ادبیات دفاع مقدس*. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۸. شیرشاهی، افسانه. (۱۳۸۶). *شعر مقاومت و دفاع مقدس*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۹. صادق‌زاده، محمود. (۱۳۹۰). «بررسی ویژگی‌های سبکی و تحلیل محتوایی شعر سپیده کاشانی». *مطالعات نقد ادبی* (پژوهش ادبی)، شماره ۲۲، صص ۴۳-۶۸.
۱۰. صدقی، حسین؛ عظیم‌زاده، امیرعلی. (۱۳۹۲). «بررسی موسیقی و صور خیال در شعر جنگ نصرالله مردانی». *ادبیات پایدار*، شماره ۹، صص ۱۸۷-۲۱۱.
۱۱. کاشانی، سپیده. (۱۳۷۳). *سخن آشنا*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۲. ----- (۱۳۷۳). *هزار دامن گل سرخ*. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۳. ----- (۱۳۸۹). *مجموعه آثار سپیده کاشانی*. تهران: انجمن قلم ایران.
۱۴. کلاهچیان، فاطمه؛ حیدری‌نیا، سیده نادیا. (۱۳۹۱). «شگردهای خاص نمادپردازی با طبیعت در غزلیات مولوی»، *سبک‌شناسی نظم و نثر؛ بهار ادب*، دوره ۵، شماره ۲، صص ۳۷۱-۳۸۷.
۱۵. محمودی، علی‌رضا؛ راشکی، فاطمه. (۱۳۹۵). «بررسی حس آمیزی در اشعار نصرالله مردانی». *زبان و ادب فارسی*، شماره ۲۳۳، صص ۱۸۱-۲۰۰.
۱۶. مردانی، نصرالله. (۱۳۶۰). *قیام نور*. تهران: حوزه اندیشه و هنر اسلامی.
۱۷. ----- (۱۳۷۰). *خون‌نامه خاک*. تهران: کیهان.
۱۸. ----- (۱۳۷۴). *سمنند صاعقه*. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۹. مستور، مصطفی. (۱۳۸۷). *مبانی داستان کوتاه*. تهران: مرکز.
۲۰. میرصادقی، جمال. (۱۳۸۸). *عناصر داستان*. تهران: سخن.
۲۱. یونسی رستمی، محمدتقی؛ هادی‌پور، حوریا؛ خوشه‌چین، علی. (۱۳۹۳). «تجلی طبیعت در اشعار محمدرضا شفیعی کدکنی (م.سرشک)». *زبان و ادب فارسی*. سال ششم، شماره ۱۱۹، صص ۱۴۰-۱۶۳.